



در ابتدا صدا و نفسم دچار مشکلاتی بود که گاه سبب می شد شنوندگان بخندند و این از نظر روحی تأثیر بسیار بدی روی روحیه ام می گذاشت. اما این ها عاملی نشد تا دست از تلاشم بردارم؛ بلکه تلاش کردم مشکلاتم را بشناسم و در رفع آن ها بکوشم تا بتوانم با تمرین بیشتر، قوی تر در جلسه های قرآنی حضور پیدا کنم. یکی دیگر از کارهایی که با شروع مجدد و در کنار تمرین های قرائتم انجام دادم، انتخاب سبک خواندنم بود. بیشتر به سبک مصطفی اسماعیل و شحات انور کار می کردم و در حال حاضر بیش از ۱۰ سال است که به سبک تلفیقی از این اساتید کار می کنم.

گفتگوی با قاری کشوری محله خیام شمالی که کتابش به تازگی منتشر شده

در پناه قرآن

سمیرا منشادی - احسان سوختانلو، جوان قرآنی است که دوره جوانی اش را به آموزش و فراگیری قرآن گذرانده و در حال حاضر از قاریان کشوری است. او از دوران کودکی قرائت قرآن را آغاز کرده و حالا که ۲۹ بهار از زندگی اش را پشت سر گذاشته، توانسته به مقام های کشوری و استانی بسیاری دست پیدا کند و راه خودش را به عنوان قاری کشوری پیدا کرده است. اما کسب مقام های مختلف استانی و کشوری چندان آسان نبوده و راه سختی را طی کرده است. او یک کتاب به نام «هنر تجوید» به همراه دوستش نوشته که توسط آیتا... علم الهدی در مهدیه مشهور و نمایی شده است. او همچنین در برگزاری بسیاری از محافل قرآنی در سطح شهر و حتی کشور به همراه تیمی که دارند، برنامه اجرا کرده است. همه این ها را با گذراندن یک سال و نیم در مسابقات قرائت کشوری از نشی توانسته مقام اول را به دست بیاورد و دارای مقام اول مسابقات قرائت نیروی زمینی ارشاد، مقام اول مسابقات اذان ارشاد خراسان رضوی، مقام دوم مسابقات کشوری قرائت هلال احمر و... است. این قاری جوان برایمان از تجاربش گفت و اینکه چگونه می توان قاری موفق بود.

آشنایی با دوره های قرآنی

در خانواده ای مذهبی بزرگ شدم. اولین خاطره هایم درباره قرآن خواندن بر می گردد به زمانی که مادرم همراه با تلویزیون و رادیو به قرائت قرآن می پرداخت و کنارش می نشستیم و گوش می کردم. اما اولین باری که به جلسه های قرآنی رفتم، همراه برادر بزرگترم بود که به جلسه رفتم. آنجا به قرائت هایی که می شد، علاقه پیدا کردم و همانجا بود که با اولین استادم، مقدم آشنا شدم. حدود ۵ یا ۶ سال با او در زمینه صوت و لحن کار کردم. مقدم، نوارهای کاست اساتید بزرگی همچون عبدالباسط را به من می داد که با آن ها تمرین کنم. دیگر کارم همین بود که به نحوه خواندن آن ها گوش و سپس تمرین کنم. بعد از مدتی استادم مرا به جلسه قرآنی که سعید بیژنی داشت، معرفی کرد که با ایشان تمرین کنم. اما به دلیل بُعد مسافت زیادی که باید طی می کردم (از منزلمان که در کوی امیر بود تا فلکه آب)، یک سال قرآن و جلسه قرآنی را کنار گذاشتم. در این مدت یک جزء از قرآن را حفظ کردم اما قرائت برایم جذابیت بیشتری داشت، به همین خاطر تلاش کردم تا در این رشته موفق شوم.

راه را پیدا کردم

بعد از یک سال دوری از قرآن دوباره توسط استادم مقدم به جلسه های قرآنی دعوت شدم. این بار انگیزه بیشتری برای شروع مجدد داشتم و هدفم مشخص بود. شاید این تأثیر به خاطر بالا رفتن سنم بود و تغییر نوع دیدگاهم، به هر دلیل تصمیمم را گرفته بودم تا به در جات بالای قرآنی برسم و به همین خاطر تلاش و پشتکار را به علاقه ای که داشتم، اضافه کردم تا بتوانم به خواسته ام برسم.

البته این کار با سختی هایی هم همراه بود، به عنوان مثال در ابتدا صدا و نفسم دچار مشکلاتی بود که گاه سبب می شد شنوندگان بخندند و این از نظر روحی تأثیر بسیار بدی روی روحیه ام می گذاشت. اما این ها عاملی نشد تا دست از تلاشم بردارم؛ بلکه تلاش کردم مشکلاتم را بشناسم و در رفع آن ها بکوشم تا بتوانم با تمرین بیشتر، قوی تر در جلسه های قرآنی حضور پیدا کنم. یکی دیگر از کارهایی که با شروع مجدد و در کنار تمرین های قرائتم انجام دادم، انتخاب سبک خواندنم بود. بیشتر به سبک مصطفی اسماعیل و شحات انور کار می کردم و در حال حاضر بیش از ۱۰ سال است که به سبک تلفیقی از این اساتید کار می کنم.

قرآن باعث آشتی ام با زبان انگلیسی شد

در مدرسه همه می دانستند که قاری هستم اما نمی خواستم در مدرسه و سر صف قرائت داشته باشم، مگر زمانی که دیگر راهی جز پذیرش و اجرا نداشتم. ناگفته نماند که خواندن زیارت عاشورا در مدرسه مان را به عهده داشتم. زمانی که پیش دانشگاهی بودم و با درس زبان و معلم مان مشکل داشتم تا اینکه یک روز درس در مورد زلزله بود و معلم مان به آیه ای از قرآن اشاره کرد من هم در تکمیل حرف های پیش آیه ای از قرآن را خواندم. او متوجه شد که قاری هستم و این زمینه ای شد برای دوستی و آشنایی با معلم زبان و درس زبان. قرآن در بسیاری از مراحل زندگی ام تأثیر خوب خود را داشته است یا در مدت خدمت سربازی ام قاری قرآن بودم